

چرا مشروطیت

و کدامین مشروطه؟

در نامه ای از حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی



نهضت مشروطیت، حرکتی بزرگ و مبتنی بر آرمان‌های دینی و ملی ایرانیان بود که توسط علما رهبری و با حمایت مردم به انجام رسید. آشنایی با دیدگاه‌های رهبران مشروطه ما را به مبانی مشروطه ایرانی آگاه می‌سازد. در اینجاست متن نامه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی را به حجة الاسلام میرزا ابراهیم شیرازی مجتهد بزرگ شیراز با هم می‌خوانیم. این نامه ضمن روشن نمودن مواضع حاج آقا نورالله نسبت به مشروطیت و اوضاع ایران تلاش آن روح آزاده در تشویق دیگر علما به حمایت از مشروطیت را نیز آشکار می‌سازد.

«رقیمه حضرت مستطاب حجت الاسلام
بندگان حاجی آقا نورالله ثقة الاسلام سلمه الله
تعالی»

به بندگان حضرت مستطاب حجت الاسلام
آقا میرزا ابراهیم مجتهد شیرازی سلمه الله تعالی
به عرض می‌رساند مدتی بود گزارش حالات
شرافت دلالات حضرت تعالی را به توسط مرقومات
اطلاعی نداشتم. ولی از هر عابر و وافد

ما خطرت من نحوکم نسمة الا تمسکت به
اذبالها
این ایام که محترم رقیمه کریمه به توسط
جناب مستطاب آقای حاجی شیخ علی بابا
سلمه الله زیارت شد. ایشان را خواستم و
خصوصیات حالات را پرسیدم و خیلی از مراجع
کامله امتاناتی داشتند. اما غریب آن است این
وقایع حادثه را می‌گفتند ابدأ آنجا آثاری ظاهر
نشده. و با وجود مثل حضرت تعالی بزرگواری اهالی
فارس که اول مصدر غیرت و فتوت شدند و بر
عامه اسلامیان معنی مردانگی و ثبات را
خاطر نشان کردند و به واسطه تظلمات و پایداری

آنها مردم دارالخلافه به شور شورا افتادند و این نور نعمت شریعت و تمدن و ملت پرستی و دین داری و معدلت و مساوات و اتحاد دولت و ملت و اتحاد کلمه آفاق را روشن کرد و بر اقطار ایران که ظلمات جهل بصائر و ابصار را پوشانده بود، مبرهن و آشکارا نموده که غیر از ظلم و نفاق چیزی دیگر هست که نامش عدل و انفاق باشد. و بعد از آنکه دیگر اثری از اسلام و اسلامیان و دین و ایمان و عجم و ایران نمانده. و روح خلائق که ثروت و صنعت و امنیت باشد هم از میان رفته و خلق گدا و فانی و مصرف شده و دول خارجه این ساعت و لقمه لمحہ را نزدیک بود فرو برند. و اسمی از دین و ملت محمدی صلی الله علیه و سلم. باقی نگذارند. بحمدالله دست غیب آمد و برسینة نامحرم زد.

نظر عنایت الهی و شفاعت حضرت حجت‌اللهی واسطه وسیله اعلائی لوای بحمدہ شریعت گردید. مردم عراق و آذربایجان به یک زبان مجلس شورای ملی خواستند. و قلم مبارک اعلائی حضرت شهبازی خلدالله تعالی ملکه مرآت تجلی حقایق گردیده، ملهم شدند برای تسجیل و اثبات این امر و به اختیار خود سعی و جهد فرمودند. و نام بزرگشان را در قرون و اعصار و ممالک و امصار به اعلائی مدارج بزرگواری باقی گذاردند. ملاحظه بفرمایید محاسن مجلس شورای ملی و مشروطیت را به هزار کتاب نمی‌توان گنجانند. و از بدو اسلام که معدودی اعراب بیش ایمان نیاورده بودند، به همین ترتیب شورا و مشروطیت که اساس دین ما بر آن است، در ظرف ده بیست سال قصور قیصره و کنوز اکاسره را دارا شدند. نور اسلام در تمام روی زمین ساطع گردید. و اگر معاویه آن تیغ خلاف را در بین مسلمین نینداخته بود، تا ده سال دیگر متنفسی نمی‌ماند، جز آنکه اسلام اختیار می‌نمود. باری فعلاً مختصری از منافع آن را عرضه می‌دارم تا بعد به تفصیل جسارت شود:

اول - سابقاً در مقابل دول خارجه که دندان

طمع تیز نموده بودند، اعلائی حضرت ظل‌اللهی چند فوجی معدود بی‌استعدادی بیش نداشتند. اما امروز بحمدالله سی کرور لشکر مستعد متفق مجاهد در مقابل می‌توانند بنمایانند. یعنی مجموع ملت محامی و مدافع خواهند بود.

ثانیاً - قبل از این اوقات دولت در معارضه ملت و ملت در مقاومت با دولت می‌گذشت. و هر دو به تضارع یکدیگر را ضعیف نموده و دشمنان خارجی هر دو را مقهور و مأکول می‌نمودند. امروز هر دو هم پشت یکدیگر شده، دزد بیرونی را از خانه می‌دوانند. ملاحظه بفرمایید اگر دزدی به خانه فرود آید که همه خواب باشند، کسی هم اگر بیدار شده از ضعف حرکت ننماید، جز آن است همه متاع خانه را به غارت و آنها را به قتل می‌رساند. ولی اگر همه از خواب بیدار و معاضد باشند، دزد وارد نمی‌شود و اگر هم وارد شده، فوراً بیرون می‌رود، خجل و منفعل.

ثالثاً - مسلم است در اصلاح مقاصد و ترقیات ملت و دولت هزار رأی مستقیم که منتخب و منعقد از ده کرور آراء مخلوق باشد، بهتر است از یک رأی مبتلا و اسیر در دست اهوای فاسده و اغراض باطله و دوست‌گذاری و دشمن‌نوازی که تمام اوقات خود را اگر به حفظ خود پردازد مکفی نیست چه رسد ملت و مملکتی را نگاهدارد.

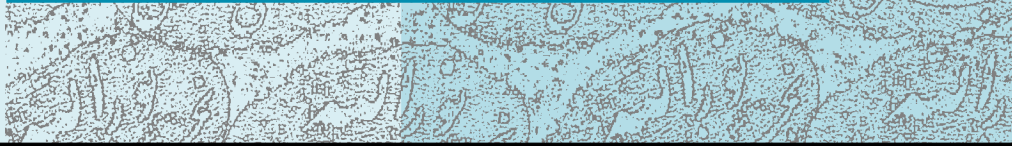
رابعاً - وقتی اختیار امور و احکام و آراء در دست یک نفر باشد، اختیار مطلق را آنچه موجب مخاطرات و مهلک ممالک اسلامی باشد باکی ندارد؛ زیرا رقیبی در مقابل نمی‌بیند و خود را فعال مایشاء می‌داند. مثل سابقین برای جلب نفع شخصی، دین و ایمان و ناموس و دولت و ثروت خلائق را به باد می‌دهد. و به رشوه که از داخله و خارجی می‌گیرد، مخلوق را فانی صرف می‌نماید. اما وقتی مجلس و کلائی و جماعت باشد چون فرد فرد مجلس مراقب یکدیگر هستند ممکن نیست دیگر به رشوه و ملاحظه و اغراض فاسده کسی خیانتی در دین و دولت کند. فلان وزیر دریای خزر را نگوید یک قاشق آب گندیده چه قابل است

بخشیدیم. دیگر «مرو» و «سرخس» را قمار شب و خمار صبح به باد نهد و هکذا.

خامساً - هر روز از این جمعیت آراء برای اصلاح فاسدی مسلم است، بدعتی را رفع می‌نمایند و سنتی را وضع می‌کنند. و تجارت و زراعت و فلاح و صنعت ایران را رواج می‌دهند. و سالی صد کرور مکتب این خلق گدارا که خارجه می‌برد، به ترویج صنایع داخله نخواهند گذارد، بیرون برود. بلکه عوض صد کرور هم هر ساله از خارج به داخل می‌آورند. به علاوه کشف معادن و اصلاح طرق و ابداع کارخانجات خواهد شد. امور زندگی و مسافرت و تجارت خیلی آسان و این مردم که نصف آنها به گدایی می‌گذرانند، همه دارای شغل و کار و تمول می‌شوند. و مثل سایر ممالک گدا اکسیر خواهد شد.

ششم - سابقاً اشخاص که واسطه حلّ و عقد امور بودند، محض نفع شخصی خود دولت را از ملت منزجر و بری ساخته و ملت را از دولت ترسانده و به اصطلاح آب را گل می‌نمودند، ماهی بگیرند. و فایده‌ای از این رهگذر می‌بردند که رعایا را کرورها خراب نمایند تا خانه خود را آباد کنند. ولی امروزه و کلائی مجلس موظف به وظایف ملت هستند و می‌دانند اگر خیانتی به موکلین خود بنمایند هم معزول و هم بدنام می‌شوند حتی المقدور سعی در آبادی ملت و مملکت و رعیت خواهند نمود.

هفتم - قبل از این ارکان دولت خود را در این فی‌الواقع عاریه نشین و موقتی می‌دانستند و اطمینان به ثبات و دوام سکونت خویش نداشتند. و تصور می‌نمودند عنقریب از ملکیت و ید آنها خارج می‌شود. لہذا هر چه مقدورشان بود از سنگ و چوب بنیان خانه کنده و بریده و می‌بردند؛ که این نتیجه عاجل است و واقعاً خانه خود را به دست خود خراب می‌نمودند. امروز می‌فهمند این خانه ملک طلق ابدی خودشان است، لابد سعی در آبادی و تعمیر آن خواهند فرمود.



هشتم - کارگزاران ایالات سابقه چون اختیار امور را به دست یک نفر می‌دیدند، بستگی و روابط خود را با آن یک نفر حتی المقذور محکم می‌نموده و در محل فرمانفرمایی خود هرچه اداره می‌کردند، می‌بردند و می‌خوردند و ظلم جاری بود، و مطمئن بودند از مواخذه. زیرا وقتی هزار یک اعمال آنها بعد از عمری به گوش آن یک نفر وزیر می‌رسید، او را به تعارف و هدیه مختصری راضی و ساکت می‌نمود. ولی وقتی مجلس و کلا باشد، هر ساعت خبر اعمال کارگزاران ایالات کوچک اقصی بلاد و قراء هم به عرض مجلس خواهد رسید. و دیگر زبان دویست نفر و پانصد نفر را محال عادی است به رشوه ببندند. و باب ظلم بالطبع مسدود خواهد شد.

نهم - غالب تنزلات این مدت ما از نا امنی بود که فلان تاجر یا زارع یا صاحب پول یا صاحب علم یا هنر آنچه را داشت، از خوف رؤسای دولت و متقلبین مملکت مکتوم می‌داشت. و چه ثروتها بیکار و بی‌فایده اندک اندک از مایه خورده و تلف می‌شد. ولی امروز که تاءمین داده خواهد شد، هر کس آنچه مال و هنر دارد به کار انداخته، روزبه‌روز در نما و تزیید می‌شود. این را مخصوص نمایم که فرضاً مثل سابق نخواهد بود که از شخص اول دولت تا ادنی طبقه خالایق آنچه

داشته باشند، به بانکهای خارجه بدهند و از ایران بیرون نمایند. و اصل و نفع آن را دیگران بخورند و در دست آنها جز کاغذی نباشد. نقاشی به خط فرنگی که یک صندوق از آن کاغذها را به ما بدهند و مملکت را تصاحب نمایند. و چه تلفات و اتلافات در میان خواهند بود. بلکه امروزه که تاءمین حاصل شده، اگر افراد رعیت نفری بیست تومان هم روی هم گذارند، پانصد کرور پول خدا می‌داند در ایران چه خرابیها آباد، و چه تجارتها وسیع، چه صنایع دایر، چه معادن کشف، چه ابواب خارجی مسدود و طرق نفع مفتوح خواهد شد. یا در هر بلدی شاید بیست هزار نفر هستند که اوقات عمرشان را صرف این می‌نمایند برای حفظ خود یا بردن مال دیگری سالی را مراقب باشند، تا یک روز در کوچه فلان امیر را ببینند، تعظیمی کنند، به این نحو تلف عمر عزیز می‌نمایند. ولی وقتی تاءمین شد، دنبال آن می‌روند برای شغلی و صنعتی پیش گیرند و درستکاری جلوه دهند و ترقی بدهند خود و ابناء وطن خود را. مکنتی به راه حسابی زیاد نمایند و معرفتی کامل کنند.

دهم - دول بزرگ خارجه تمام همتهشان را صرف می‌نمایند جهت جامعی برای اتحاد کلمه و اتفاق آرای رعایای خود تحصیل نمایند. بعد از کرورها تجریت و حک و اصلاح وطن را که امر

اعتباری است، جست‌اند و چه اندازه حب وطن را در انظار عظیم نموده و می‌دهند، شهید وطن را به نام نیک ابدی می‌ستایند. و علت آن است که اولاً: آنها چندان ثبات و قوامی در دین خود ندارند و اهمیتی به دین و مذهب نمی‌دهند، مابین خودشان. ثانیاً: در مملکت آنها ادیان مختلف و مذاهب متشکته از گبر و یهود و بت پرست و نصاری و غیر... بسیار است. هرگاه دین را مصدر نمایند، به اختلاف مذاهب اختلاف در امورشان پیدا خواهد شد، کلمه متفقه جمعی نمی‌شود. ولی ایران که نعمت خداداد دارد و تمام به یک دین هستند و قوامی هم دارند و کتابی مثل قرآن و احکام منقی از شرع مطهر در دست، اگر این مشروطیت و مجلس شورای ملی کاملاً جاری گردد و میزان شرع پیش آید، دولت و ملت ایران طفلی است یک شبه ره صد ساله می‌رود. ترقی را به جایی می‌رساند که هزار سال دیگر خارجه آرزوی آن را به گور خواهند برد. باری مجال بیش از این ندارم (تلك عشرة كاملة)، متوقعم به وصول عریضه حضرت عالی هم زودتر در صد تشکیل مجلس و انتخاب منتخبین برآمده که از دیگران عقب نیفتید.»

عبدالله‌الراجی نورالله بن محمدباقر

